**ترجمه تفسير الميزان    ج‏12    63**

[معناى اينكه در قيامت شيطان به اتباع خود مى‏گويد:" خدا به شما وعده حق داد و من به شما وعده دادم ولى وفا نكردم"]

گوينده اين جمله:" إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ" همان ابليس است و مقصودش از اين حرف اين است كه، ملامت گناهكاران و مشركين را از خود دور سازد، پس اين كه گفت:" إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ"، معنايش اين است كه: خداوند به شما وعده‏اى داد كه اينك وقوع آن و مشاهده حساب و جنت و نار در امروز، آن وعده را محقق ساخت، و من هم به شما وعده‏اى دادم ولى به آن وفا نكردم، چون خلاف آنچه را كه وعده داده بودم محقق شد. اين آن معنايى است كه مفسرين براى آيه كرده‏اند[[1]](#footnote-1).

بنا بر اين، مقصود از وعده‏اى كه داده شد همه چيزهايى است كه، اثباتا و نفيا مربوط به معاد باشد، يعنى خداوند آنها را اثبات، و ابليس آنها را نفى مى‏كرده، و اخلاف وعده هم به معناى روشن شدن دروغ بودن آن است كه در حقيقت ملزوم را گفته و لازمه آن را اراده كرده است.

ممكن هم است- و بلكه وجه صحيح همين است كه- بگوييم وعده‏اى كه داده شد منحصر در پاداش اخروى نيست، بلكه شامل وعده دنيوى هم مى‏شود و تمام افراد مؤمن و مشرك را در بر مى‏گيرد، چون زندگى دنيا و آخرت متطابق هم مى‏باشند و در حقيقت زندگى دنيا الگوى زندگى آخرت است، و خداى تعالى اهل ايمان را به زندگى پاكيزه و با سعادت وعده داده و اهل شرك را كه از ياد او اعراض مى‏كنند، به زندگى تنگ و توأم با اندوه و عذاب درونى در دنيا وعده داده، و آن گاه هر دو گروه را به يك زندگى ديگرى كه در آن حساب و كتاب و بهشت و جهنم است وعده داده است، اين وعده‏اى است كه خداى تعالى به بشر داده است.

از آن سو ابليس هم اولياى خود را به خواسته‏هاى دلپذير و آرزوهاى دور و

ترجمه تفسير الميزان، ج‏12، ص: 64

دراز، وعده داده، مرگ را از يادشان برده، و از ياد بعث و حساب منصرفشان كرده است، و از سوى ديگر، ايشان را از فقر و ذلت و ملامت مردم ترسانده، و كليد تمامى اين دامها غافل نمودن مردم از مقام پروردگار و جلوه دادن زندگى حاضرشان است، بطورى كه چنين مى‏پندارند كه، اسباب ظاهرى همه مستقل در تاثير، و خالق آثار خود هستند، و نيز مى‏پندارند كه خودشان هم، در استعمال اسباب بر طبق دلخواه خود مستقلند، وقتى اولياى خود را دچار چنين انحرافى نمود آن وقت به آسانى ايشان را مغرور مى‏سازد، تا به خود اعتماد كنند، به خدا، و همه اسباب دنيوى را در راه شهوات و آرزوهاى خود بكار بندند. كوتاه سخن اين كه خداوند، در آنچه مربوط به زندگى دنيا و آخرت است، به مؤمنين وعده‏هايى داده، كه به آنها وفا كرده، و ابليس هم ايشان را دعوت نمود از راه اغفال و جلوه دادن امورى در برابر اوهام و آرزوهاى بشر كه يا سرانجام بر خلاف واقع در مى‏آيد و آدمى خودش مى‏فهمد كه فريب بوده، و يا اگر به آن رسيده، آن را بر خلاف آنچه كه مى‏پنداشت مى‏يابد، و ناگزير رهايش نموده، باز دنبال چيزى كه آن را موافق خواسته‏اش بيابد، مى‏رود، اين وضع مربوط به دنياى آنها است، و اما در آخرت كه گفتيم همه شؤون آن را از يادشان مى‏برد.[[2]](#footnote-2)

1. ( 2) منهج الصادقين، ج 5، ص 132 و مجمع البيان، ج 4، ص 213، طبع بيروت و تفسير فخر رازى، ج 19، ص 109. [↑](#footnote-ref-1)
2. طباطبايى، محمدحسين، ترجمه تفسير الميزان، 20جلد، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامى - ايران - قم، چاپ: 5، 1374 ه.ش. [↑](#footnote-ref-2)